

## بررسی و تحلیل نقادانه علل اشتهار کاشانیان به ترسویی در دوره قاجار

عادل شعبانی مقدم\*

علی اکبر جعفری\*\*

### چکیده

الگوهای رفتاری - اجتماعی و سبک زندگی مردم ایران که نشان دهنده فرهنگ عمومی آن‌ها می‌باشد، در تاریخ‌نگاری اجتماعی بسیار حائز اهمیت است. یکی از مهم‌ترین این الگوهای فرهنگی، وجود پدیده ترس و رفتارهای ناشی از آن می‌باشد. متون تاریخی دوره قاجار یکی از خصوصیات رفتاری مهم مردم کاشان را ترسویی و جیونی آنان دانسته و به همین دلیل، امروزه صفت ترس به اهالی کاشان نسبت داده می‌شود و کاشانی‌ها به ترسویی شهرت دارند. مسئله اساسی این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای به آن پرداخته می‌شود، بررسی تاریخی و ریشه‌یابی زمینه‌های اشتهار ترسویی مردم کاشان و بررسی صحت اعتبار این ویژگی و سبک زندگی و رفتار فرهنگی کاشانی‌ها در برخورد با ترس است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد اشتهار مردم کاشان به ترس از دوره قاجار شکل گرفته و به این موضوع در منابع پیش از این اشاره نشده است. حتی با وجود اشاره‌های منابع دوره قاجار به ویژه سفرنامه‌ها در این خصوص، سیاحانی که پیش از این به ایران سفر کرده اند، به ترس کاشانیان نپرداخته اند و هیچ سابقه تاریخی قابل استناد و ادله محکمی در ارتباط با ترس کاشانی‌ها در منابع پیش از قاجار وجود ندارد.

**کلیدواژه‌ها:** ترس، کاشان، واقعیت، شایعه، سیاحان، دوره قاجار.

\* دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه اصفهان ( نویسنده مسئول)، [adelshabani@gmail.com](mailto:adelshabani@gmail.com)

\*\* دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان، [a.jafari@yahoo.com](mailto:a.jafari@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۱۲

## ۱. مقدمه

تاریخ و جامعه‌شناسی ارتباط نزدیکی با هم دارند. این علم از یک طرف، شواهدی تاریخی پیرامون مسائل اجتماعی موجود را ارائه می‌دهد و از طرفی دیگر پیام‌آوری از گذشته است که جامعه‌شناسی می‌تواند حوادث و تغییراتی را که در آن‌ها پدید آمده‌اند و نیز عوامل موثر در آن‌ها را، از داده‌های آن‌ها استخراج کند (امزیان، ۱۳۸۰: ۲۵۹). به همین دلیل الگوهای رفتاری مردم، نقش موثری در شناسایی مبانی جامعه‌شناختی یک ملت دارد. در ایران، از آنجا که هر یک از مردم مناطق مختلف ممکن است در مقطعی از زمان، رفتارهای خاصی از خود نشان دهند؛ این احتمال می‌رود که رفتار و کردار ساکنانش در گذشته، منجر به شکل‌گیری الگویی از آنان شده و شاخص اجتماعی برای آنان محسوب شود و در ادامه، آن الگوها به جامعه امروزی منتقل شده است. به واقع بسیاری از ویژگی‌های فرهنگی و الگوهای رفتاری مردم شهرهای ایران را باید در تاریخ اجتماعی آنان جست و جو کرد. امروزه برای بسیاری از اقوام و مردم شهرهای ایران همانند قزوین، اصفهان، تبریز، شیراز و... خصوصیات رفتاری و الگوهای خاصی شهرت یافته است که شاید برخی از آن‌ها از یک سابقه تاریخی بر آمده و بعضی دیگر در حد یک شایعه باشد. در هر صورت باید متوجه این نکته بود که این الگوهای رفتاری با توجه به پراکندگی و تنوع قومی و اقلیمی در ایران و با عنایت به زمان‌ها و مکان‌های مختلف، تفاوت‌هایی با هم دارند و نمی‌توان یک الگوی رفتاری را برای همه دوران و تمام مکان‌ها در ایران یکسان دید.

مردم کاشان نیز به مانند دیگر شهرها که به الگویی اجتماعی و رفتاری خاص مشهورند، به ترسویی شهرت دارند. برخی این الگو را برگرفته از سابقه‌ای تاریخی بلند مدت می‌دانند. بررسی و ریشه‌یابی تاریخی، صحت و سقم ترس کاشانی‌ها و نیز علت اشتها مردم کاشان به ترس و جبن، مهم‌ترین اهدافی است که این مقاله تلاش می‌نماید آن‌ها را بررسی نماید. همچنین تلاش شده تا دیدگاه‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی پدیده ترس مورد واکاوی قرار گیرد. با وجود این، در این پژوهش مسئله ترسو بودن کاشانی‌ها از منظر تاریخی بررسی می‌شود و منظره‌ای روانی و جامعه‌شناسی موضوع با عنایت به رویکرد تاریخی مقاله، کمتر مورد نظر می‌باشد.

با توجه به دلایل فوق و اهمیت موضوع، این پژوهش بر آن است تا به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از یافته‌های تاریخی به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- زمینه‌های اشتها ترس برای مردم کاشان در دوره قاجار شامل چیست؟

- حقیقت واقعی انتساب پدیده ترس به مردم کاشان بر گرفته از چیست؟
- چه مدارک و ادله محکم و قابل اعتمادی برای ترسو بودن مردم کاشان وجود دارد؟

در زمینه ترس مردم کاشان و ریشه‌یابی آن تاکنون پژوهش مستقل و مطلوبی صورت نگرفته است و تنها اطلاعات ناقص و پراکنده‌ای در مقالات و تحقیقات جدید یافت می‌شود. ساطع در اثر خود تحت عنوان «کاشان در گذار سیاحان و ایران شناسان» یادداشت‌های سفرنامه نویسان خارجی درباره کاشان و نگاه‌های متفاوت سیاحان به ایران و کاشان را گردآوری و مورد بررسی قرار داده است (ساطع، ۱۳۸۹: ۱-۵۷۶). عاطفی، گلکار و جعفری، نیز در کتاب «فراز و فرود کاشان به روایت دیگران» تلاش کرده‌اند تا گزیده‌ای از گزارش‌های شصت و سه جهانگرد، بازرگان، سیاست‌مدار، باستان‌شناس، هنرمند و... به همراه آلبوم تصاویری از کاشان را ارائه نمایند (عاطفی، گلکار و جعفری، ۱۳۹۱: ۶۰۴-۱). اگرچه در این دو اثر، اشاره‌های سیاحان در مورد ترس مردم کاشان بیان شده؛ اما به ریشه‌یابی و بررسی عمیق این موضوع پرداخته نشده و تنها به ذکر گزارش‌های جهانگردان و مورخان اکتفا شده است. بر همین اساس این پژوهش به صورت مستقل به بررسی و ریشه‌یابی شهرت ترس کاشانی‌ها می‌پردازد.

## ۲. پدیده ترس از منظر روان‌شناسی و جامعه‌شناسی

پدیده ترس در شکل‌گیری و توضیح شخصیت انسان و روابط اجتماعی وی، از عوامل موثر محسوب می‌شود که درست سنجیدن نقش آن در روان‌شناسی و روان‌کاوی و همچنین در جامعه‌شناسی اهمیت فراوان دارد (کافی، ۱۳۹۳: ۱۹۸). زندگی بسیاری از انسان‌ها توأم با ترس است، این در حالی است که شاید اغلب آن‌ها به علت و حتی وجود ترس‌های خویش واقف نیستند. در علم روان‌شناسی، ترس بر اساس منشأ، شدت و نوع تظاهر بیرونی آن به سه نوع تقسیم شده است: ۱- ترس‌های منطقی، ۲- ترس‌های نابهنجار، ۳- ترس‌های اخلاقی (راه‌رخشان، ۱۳۷۲: ۱). ترس‌های منطقی، عللی روشن و معین در محیط پیرامونی انسان دارند و شدت و ضعف این گونه ترس‌ها، رابطه‌ای مستقیم با شی و یا عامل ترس‌زای محیط انسان دارد. به واقع ترس منطقی، هشدار است که باعث می‌شود انسان در محیط خطرناک‌تر بیشتر مراقب خود باشد. برخلاف ترس‌های منطقی، علل و منشأ ترس‌های

نابهنجار برای فرد روشن نیست و از آن آگاهی ندارد. ترس‌های نابهنجار، زاده به خطر افتادن محرک‌های غریزی انسان هستند و ندایی محسوب می‌شوند که از ضمیر ناخود آگاه انسان بیرون می‌آیند؛ اما ترس‌های اخلاقی و یا وجدانی منشأ کاملاً اجتماعی دارند. این‌گونه ترس‌ها زاده تسلط سرکوبگرانه «فراخود» بر اجزاء دیگر ساختمان روانی انسان است. هر چه دامنه محدودیت‌هایی که یک جامعه بر اساس ساختارهای اخلاقی و عرف و عادات اجتماعی بر فرد تحمیل می‌کند، وسیع‌تر باشد و هر چه این محدودیت‌ها در تعارض بیش‌تری با غرایز جسمی و ذهنی انسان قرار بگیرند، به مراتب دامنه شروع ترس‌های اخلاقی در بین انسان‌های آن اجتماع وسیع‌تر است (راه‌رخشان، ۱۳۷۲: ۲). بر این اساس آنچه مبانی روان‌شناسی و جامعه‌شناسی پدیده ترس را به یکدیگر متصل می‌سازد، ترس اخلاقی یا وجدانی است که ریشه در اجتماع دارد.

مطالعه و تأمل در تاریخ اجتماعی ایران نشان می‌دهد وقایع و رخداد‌های تاریخی، نقش موثری در پدید آمدن ترس وجدانی و اخلاقی در میان مردم یک منطقه داشته است. در نواحی مختلف و در بسیاری از زمان‌ها، بر اثر فشار حکومت و بروز حوادث ناگهانی و نیز اعمال محدودیت‌های فراوان از جانب دولت‌مردان و پادشاهان به بهانه‌های مختلف، زمینه‌های اجتماعی ترس مردم یک منطقه شکل می‌گرفت. در حقیقت، آن مهمی که منجر به شکل‌گیری ترس جامعه می‌شد، از بین رفتن امنیت اجتماعی بود؛ چرا که امنیت اجتماعی، چیزی جز حالتی از آسودگی مردم از ترس، تهدید، اضطراب و مصون ماندن جان، مال، ناموس، هویت و اعتقادات آنان از هر گونه تهدید و تعرض مفروض نیست (صدیق سروسانی، ۱۳۸۴: ۴). از آنجا که امنیت اجتماعی، قابلیت حفظ الگوهای سستی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی را فراهم می‌سازد (Buzan, 2000: 34)، ترس از ناامنی می‌تواند تأثیرات روانی گسترده‌ای چون اضطراب، بی‌اعتمادی، احساس یگانگی، انزوا و عدم رضایت از زندگی ایجاد کند. همچنین ممکن است انسان‌هایی که دچار ترس هستند، برای مقابله با ترس خود و اجتناب از قربانی بزه کاری، از مکان‌های معین و افراد غریبه و بیگانه دوری کنند. در نتیجه، فعالیت‌های اجتماعی آن‌ها محدود شود یا اینکه باتهیجه تجهیزات ایمنی، حائلی امنیتی در روابط اجتماعی خود با دیگران ایجاد کنند که این، خود در زمان اعتراض‌ها و پرخاش‌گری‌ها، نتیجه معکوس دارد و منجر به افزایش خشونت و ناامنی اجتماعی می‌شود (Clemente & Kleiman, 1997: 10). بدین ترتیب، وقایع تاریخی نقش مهم و تأثیری مشهود در برهم زدن امنیت اجتماعی و در ادامه، ظهور پدیده ترس در میان مردم

دارد. در تاریخ ایران، حمله مغولان در سال ۶۱۶ هـ.ق، یورش‌هایی در پی و ویرانگرانه تیمور به شهرها و مناطق مختلف و یا محاصره اصفهان و سقوط دولت صفوی (۱۱۳۵-۱۱۳۴ هـ.ق) تنها بخشی از مهم‌ترین وقایع تاریخی است که بر اثر نابودی امنیت، پدیده ترس در فضای عمومی ایرانشکل گرفته است. برای درک این نکته کافی است به اوضاع جامعه ایران در عهد ایلخانان، پس از روی کار آمدن هلاکو و اباقا، در دوره تیموریان، هنگام یورش تیمور به شهرها، در زمان محاصره اصفهان و تسلط هفت ساله افغان‌ها، در دوران افشاریه با شروع نیمه دوم حکومت نادر، در عهد قاجار با آغاز جنگ‌های ایران و روسیه و... توجه شود تا عدم امنیت و شکل‌گیری ترس اجتماعی و اخلاقی در میان مردم ایران به وضوح آشکار شود. با وجود پیدایش دائمی زمینه‌های ترس عمومی در تاریخ ایران و توضیح عوامل به وجود آورنده پدیده ترس و جبن، اما این مردم کاشان هستند که به طور خاص در منابع تاریخی و در اذهان عمومی به ترسویی و جبونی شهرت یافته‌اند؛ مشخصه‌ای که تا به امروز همراه آنان باقی مانده است. بررسی این موضوع از منظر تاریخی و با در نظر داشتن زمینه‌های روانی و جامعه‌شناختی مستند به منابع و گزارش‌های باقی مانده از آن زمان نشان دهنده لایه‌های مختلف این پدیده اجتماعی در کاشان است که در ادامه صورت می‌پذیرد.

### ۳. پیدایش ترس مردم کاشان در متون دوره قاجار

موضوع ترس اجتماعی در کاشان برای نخستین بار در منابع اولیه دوره قاجار و به صورت مشخص در سفرنامه‌های خارجی‌ان مطرح شده است. آدام اولئاریوس (*Adam Olearius*) جهانگرد آلمانی در دوره صفوی در سفرنامه خود، موضوع ترس اهالی کاشان از عقرب را مطرح کرده و عنوان می‌کند: «کاشانی‌ها از ترس عقرب روی زمین نمی‌خوابند، بلکه رختخواب خود را روی تخت‌های چوبی که به آن‌ها چهار پایه می‌گویند، گسترده و می‌خوابند» (اولئاریوس، ۱۳۶۹: ج ۲/۵۳۲). قاعدتاً این ترس، منطقی است و ضرورت حفظ جان و تداوم بقا، عامل آن محسوب می‌شود. به روشنی قابل فهم است که ترس از عقرب و واکنش کاشانی‌ها به آن با موضوع ترس و جبونی کاشانی‌ها در منابع دوره قاجار از لحاظ شکل و طبقه‌بندی انواع ترس، کاملاً متفاوت است. به واقع شهرت ترس کاشانی‌ها در جامعه امروزی، از متون دوره قاجار سرچشمه می‌گیرد. تقریباً در عموم سفرنامه‌های دوره قاجاری و پس از آن، به موضوع ترس و جبونی کاشانی‌ها اشاره شده است. برای نمونه

۹۰ بررسی و تحلیل نقادانه علل اشتها کاشانیان به ترسویی در دوره قاجار

ادوارد براوندر کتاب یکسال در میان ایرانیان هنگام معرفی کاشان، این گونه سخن خود را آغاز می‌کند:

«کاشان به خاطر سه چیز شهرت دارد. اول برنج (فر) کاری‌هایش، دوم عقرب‌هایش و سوم بزدلی و ترسو بودن شدید اهالی شهر» (براون، ۱۳۸۱: ۲۰۳).

بر این اساس اولین بار از زمان فتحعلی‌شاه و در سفرنامه‌های خارجی به اینکه کاشانیان مردمانی ترسو هستند اشاره شده است. برای آگاهی از نظرات دیگر مولفین دوره قاجار و پس از آن، جدول شماره اقبال توجه است. این جدول شامل همه روایات جهانگردان و مولفان دوره قاجار و پس از آن است که به ترس اهالی کاشان اشاره کرده‌اند که ترتیب اسامی در آن، بر مبنای زمان حضور مولف در ایران و یا زمان نگارش اثر می‌باشد.

جدول ۱: اشارات منابع دوره قاجار و پس از آن در مورد ترس مردم کاشان

ردیف	مولف	زمان حضور مولف در ایران/نگارش اثر	اشاره	منبع
۱	جیمز موریه (James Morier)	۱۸۰۸م/۱۲۲۲ق	مردم اصفهان و کاشان که از رفتن به جنگ منع شدند و تا امروز به بزدلی زیانزدند.	موریه، ۱۳۸۶: ۱۵۵
۲	لیدی مری شیل (Lady Mary Sheil)	۱۸۴۹م/۱۳۶۵ق	در میان مردم ایران، کاشی‌ها - که سکنه شهر کاشان هستند - شهرت بیش‌تری از نظر ترسویی و بی‌دل و جرأتی دارند.	شیل، ۱۳۳۸: ۱۹۳
۳	یاکوب ادوارد پولاک (Jakob Eduard Polak)	۱۸۵۱م/۱۳۶۷ق	کاشانی‌ها مدت‌هاست که از سرباز دادن معاف شده‌اند؛ زیرا به جبن و بزدلی شهره‌اند.	پولاک، ۱۳۳۸: ۳۹
۴	آرتور دوگوبینو (Arthur de Gobineau)	۱۸۵۵م/۱۳۷۱ق	هنگ کاشی در شب وقتی تنها بماند دچار ترس می‌شود.	دوگوبینو، ۱۳۸۳: ۱۸۷
۵	هینریش بروگش (Heinrich Brugsch)	۱۸۵۹م/۱۳۷۵ق	مردم دو شهر کاشان و گیلان به بزدلی و ترس شهرت دارند.	بروگش، ۱۳۳۷: ج ۱/۱۳۱
۶	بارون دوید (Baron De Bode)	۱۸۶۶م/۱۳۸۲ق	ساکنان این شهر بسیار صنعت‌گرد و تا اندازه‌ای جبران فقدان شجاعت را در آنان می‌کند؛ زیرا کاشی مترادف با ترسویی است.	دوید، ۱۳۷۱: ۲۸
۷	ژولیندوروشوار (Julien de Rochechouart)	۱۸۷۵م/۱۳۹۱ق	مردم کاشان نزد همه ایرانی‌ها به ترسو بودن نام آوردند؛ تا جایی که از خدمت سربازی معاف شده‌اند.	دوروشوار، ۱۳۷۸: ۴۸
۸	محمدعلی سیاح	۱۸۷۷م/۱۳۹۴ق	بیشتر اهل کاشان به جبن و بددلی مشهورند.	سیاح، ۲۵۳۶: ۵۶
۹	ارنست اورسل	۱۸۸۲م/۱۳۹۹ق	اهالی بعضی از شهرها - بیشتر از همه کاشان - به ترسویی شهره شده‌اند. به	اورسل، ۱۳۸۲: ۱۳۸۲

عادل شعبانی مقدم و علی اکبر جعفری ۹۱

۳۱۶	نحوی که از دادن سرباز به قشون معاف شده‌اند.		(Ernest Orsolle)	
۲۰۳: ۱۳۸۱	کاشان به خاطر سه چیز شهرت دارد. اول برنج (فز) کاری‌هایش، دوم عقرب‌هایش و سوم بزلی و ترسو بودن شدید اهالی شهر.	۱۳۰۴/م ۱۸۸۷ق	ادوارد براون (Edward Browne)	۱۰
۱۳۳۵: دالمانی، ج ۸۷۱/۲	با اینکه مردمان کاشان از حیث تجارت و صنعت در درجه اول قرار گرفته‌اند به کم‌دلی و ضعف نفس مشهور و ضرب‌المثل شده‌اند.	۱۳۰۷/م ۱۸۹۰ق	هانری رنه دالمانی (Henry-René D'Allemagne)	۱۱
۱۳۸۰: کرزن، ج ۱۷/۲	ترس و بددلی کاشی‌ها بر سر زبان‌ها افتاده و شهرت آن‌ها از این بابت ضرب‌المثل شده است.	۱۳۰۹/م ۱۸۹۲ق	جورج ناتانیل کرزن (George Nathaniel Curzon)	۱۲
۱۳۳۶: سایکس، ۱۸۸	هوای ناسالم و عقرب‌های جرار و مردم جبون و ترسو اختصاص به این شهر دارد.	۱۳۱۹/م ۱۹۰۲ق	سر پرسی سایکس (Sir Percy Sykes)	۱۳
۱۳۸۷: جکسن، ۴۶۴	صفت ترسو را اهالی دیگر شهرها به کاشانیان نسبت می‌دهند.	۱۳۲۰/م ۱۹۰۳ق	آبراهام والتاین جکسن (Abraham Valentine Jackson)	۱۴
۱۳۶۸: انه، ۱۸۱	کاشانی‌ها به ترسوترین مردم ایران شهرت دارند و هزاران لطیفه شیرین و مضحک در حقشان می‌گویند.	۱۳۲۶/م ۱۹۰۹ق	کلود انه (Claude Anet)	۱۵
۱۳۹۲: هیئتس، ۴۳۲	در ضرب‌المثل آورده‌اند که کاشانیان از شجاعت برخوردار نیستند.	۱۳۵۴/م ۱۹۳۶ق	والتر هیئتس (Walther Hinz)	۱۶

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود؛ ترس کاشانیان در سفرنامه‌های دوره قاجار مشهود است و اظهار نظرهای بعدی از این منابع سرچشمه می‌گیرند. منابع تاریخ محلی کاشان از ذکر این مسئله پرهیز کرده‌اند. اما آنچه در سفرنامه‌های دوره قاجار به عنوان مستند ترس آنان مطرح شده، موضوع دیگری است که باید بدان توجه کرد. بسیاری از این منابع، علت ترس کاشانی‌ها را مسئله سربازگیری و عدم اطمینان به کاشانی‌ها در جنگ‌های مختلف تاریخ ایران قلمداد می‌کنند. به عنوان مثال آرتور دوگوبینو به هنگام بیان علت ترس مردم کاشان می‌گوید:

داستان‌های متعددی درباره بی‌استعدادی کاشانی‌ها در به کار بردن اسلحه رواج دارد. می‌گویند هرگز یک جنگجو از این شهر برنخاسته و دولت جرات نمی‌کند یک هنگ کاشی تشکیل بدهد. در زمان صلح هم مجبور است همیشه عده ای را به محافظت آنان بگمارد و گرنه هنگ کاشی در شب وقتی تنها بماند دچار ترس می‌شود (دوگوبینو، ۱۳۸۳: ۱۸۷).

هینریش بروگش و ژولین دوروششوار نیز در اشاره به جبن کاشی‌ها بیان نموده‌اند که

از طرف دولت سربازگیری از پاره‌ای از شهرستان‌ها به علت آنکه مردم آنجا معروف به کم‌جراتی و ترسو بودن هستند، منع شده است. از گیلان و شهر صنعتی کاشان، سربازان داوطلب قبول نمی‌شوند، زیرا مردم این دو شهر به بزدلی و ترس شهرت دارند (بروگش، ۱۳۶۷: ج ۱/۱۳۱؛ دوروششوار، ۱۳۷۸: ۴۸).

از نتایج نفرستادن سرباز از مناطقی همچون کاشان و یزد در این دوره، افزایش مالیات نقدی این شهرها بود (مستوفی، ۱۳۸۴: ج ۷۰/۱). رابرت واتسن (Robert Watson) در تاریخ قاجار، بی‌استعدادی کاشانیان در خدمت سربازی را عامل بازگرداندن اهل کاشان به دیار خود از طرف دولت مرکزی می‌داند (واتسن، ۱۳۴۰: ۹۲). واتسن که گویا اعتقاد محکمی به ترس و بزدلی کاشانیان پیدا کرده بود، در قضیه شورش برادر فتحعلی‌شاه - حسینقلی‌خان قاجار - بیان می‌دارد که با اتکا به مردم کاشان خیلی بعید به نظر می‌رسید برادر شاه (حاکم کاشان) برای تصاحب تاج و تخت تلاش کند (واتسن، ۱۳۴۰: ۹۲). اشتها ترسویی و جبونی اهل کاشان به حدی بود که در زمان ناصرالدین شاه، عده‌ای از سربازان کاشانی هنگام مراجعت به شهر خود از شاه درخواست تعدادی نگهبان کردند تا آنان را سالم به مقصد برسانند (شیل، ۱۳۶۸: ۱۹۳).

از طرف دیگر، منابع دوره قاجار به منظور مستند کردن ترس اهل کاشان، به زمان عقب‌تر و حتی دوران صفویه و افشاریه بازگشته و روایت‌های مختلفی از کاشانی‌ها ارائه داده‌اند. این مسئله موجب شده حتی برخی از همین سیاحان نیز به این پیشینه (؟) اشاره نمایند. آنگاه که دوروششوار در مورد ترس و جبونی مردم کاشان این‌گونه می‌نویسد:

در روزگار سلاطین صفوی، زمانی فرا رسید که سرباز برای گسیل داشتن به جنگ با دشمن کم داشتند و ناگزیر شدند که کمبود را به هر تدبیر چاره کنند. پس در کاشان سربازگیری کردند و فوجی فراهم آوردند... مدت زمانی سپری شد و در جبهه جنگ سربازهای کاشی را کسی ندید. از اصفهان کسی فرستادند تا کشف کند چه بر سر آن‌ها آمده است. مأمور کاشان به دروازه کاشان که رسید، فوج سربازهای کاشی را دید که از جای خود نجنبیده‌اند. از فرمانده آن‌ها سبب را پرسش کرد و او جواب داد: خیلی ساده است. شنیدیم که در چند فرسنگی این‌جا دزد دیده شده، پس در انتظار ماندیم که سلطان چند سوار تفنگدار بفرستد تا ما را همراهی کنند (دوروششوار، ۱۳۷۸: ۴۹).

امثال این حکایت‌ها در میان متون دوره قاجار برای مستند کردن ترس کاشانی‌ها وجود دارد (برای نمونه ر.ک: دوگوبینو، ۱۳۸۳: ۱۸۷؛ براون، ۱۳۸۱: ۲۰۳؛ کرزن، ۱۳۸۰: ج ۱۷/۲). نزدیک به همین مطلب در دوره افشاریه و زمان نادر به وقوع پیوسته و گفته شده است که

سی هزار نفر کاشانی و اصفهانی در قشون نادر بودند. موقعی که فاتح دهلی به ایران مهاجرت کرد، به آن‌ها اجازه داد که به اوطان خود مراجعت نمایند؛ ولی آن‌ها از ترس، در رفتن تعلل نمودند و از شاه درخواست کردند که یکصد نفر سرباز همراه آن‌ها بفرستد تا به سلامت به اوطان خود بازگشت نمایند (دالمانی، ۱۳۳۵: ج ۸۷۱/۲؛ سایکس، ۱۳۳۶: ۱۸۸).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود روایت‌ها و اشارات در خصوص ترس کاشانیان در منابع دوره قاجار و پس از آن به شکل برجسته‌ای نمایان شده است؛ اما صحت و سقم این روایت‌ها و موشکافی موضوع ترس مردم کاشان، مسئله‌ای است که می‌بایست به صورت دقیق‌تری مورد بازبینی و ریشه‌یابی قرار گیرد.

#### ۴. ترس کاشانی‌ها در بوتۀ نقد و بررسی

با وجود روایت‌های فراوان منابع دوره قاجار و نیز بر شمردن سابقه تاریخی در مورد ترس کاشانیان؛ اما طبق بررسی‌های صورت گرفته و یافته‌های این پژوهش، حکایت‌های دیگری از این مسئله نمایان شده است. ریز بینی و دقت در این روایات و مطابقت دادن با دیگر شواهد و مدارک تاریخی، مطالب دیگری را در خصوص الگوی رفتاری کاشانی‌ها و کردار آنان به تصویر می‌کشد. عوامل متعددی که می‌توان در خصوص شهرت ترس مردم کاشان مورد نقد و تجدید نظر قرار داد، شامل موارد زیر است.

#### ۱.۴. عدم اعتقاد مؤلفان به ترسو بودن کاشانیان

اگرچه سیاحان این دوره اشاره کرده‌اند که کاشانی‌ها به جبن و ترس شهرت دارند، اما جز در مواردی معدود، هیچ‌کدامشان به این موضوع باور ندارند. حتی بسیاری از آنان، خلاف آن رادیده و در خاطرات خود بیان کرده‌اند. جکسن، معتقد است که صفت ترسو را اهالی دیگر شهرها به کاشانیان نسبت می‌دهند و در ادامه می‌گوید: «خوشبختانه در مدتی که من آنجا بودم، حادثه‌ای رخ نداد که دال بر جبن آن‌ها باشد» (جکسن، ۱۳۸۷: ۴۶۴). در این میان

ادوارد براونبر آن است که در ترسو بودن کاشیان اغراق شده است (براون، ۱۳۸۱: ۲۰۳). همچنین والترهیتس که در سال ۱۳۱۵ش به کاشان آمده، معتقد است که به ناحق در ضرب‌المثل آورده‌اند که کاشانی‌ها از شجاعت برخوردار نیستند (هیتس، ۱۳۹۲: ۴۳۲). نکته جالب این است که در تعدادی از این سفرنامه‌ها، اشاره شده که ترس و جبن در ایران تنها به کاشانی‌ها اختصاص ندارد؛ زیرا از لحاظ معنای مطلق کلام، تمام ایرانی‌ها کمابیش کاشانی هستند (دوبد، ۱۳۷۱: ۲۸؛ کرزن، ۱۳۸۰: ج ۱۷/۲). لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که بسیاری از مولفین و جهانگردان دوره قاجار اعتقادی به ترس کاشانیان نداشته‌اند؛ هر چند نقل مشهور را در اثر خود آورده‌اند.

## ۲.۴ روایت‌های خرافی و متناقض منابع

نقد دیگر در موضوع ترس اهل کاشان، به آن‌چه در سفرنامه‌های دوره قاجار به عنوان مستند ترس آنان مطرح شده بر می‌گردد. بسیاری از روایات منابع، محل نقد جدی است و باید به طور احتیاط آمیزی مورد قبول واقع شود. داستان‌ها و حکایت‌های متناقض و افسانه‌گونه از حضور لشکریان کاشان نزد پادشاه و عدم دریافت سرباز از این شهر، خود گواه دیگری مبنی بر ساختگی بودن این روایات می‌باشد. براساس یکی از این داستان‌ها، وقتی فوج کاشان به خدمت پادشاه رسیده بودند، از شاه درخواست کردند تا چند نفر مأمور را در راه بازگشت به کاشان با آن‌ها همراه کند، تا از راهزنان در امان باشند. به واقع طبق همین سابقه از کاشانیان بود که از آن پس، دولت، کاشانیان را از دادن سرباز معاف کرده است (پولاک، ۱۳۳۸: ۳۹). با وجود این، لمبتون (Lambton) معتقد است که عدم ارسال سرباز به دولت مرکزی در مقاطعی از سوی شهرهایی نظیر یزد و کاشان به علت کمبود سرباز در آن مناطق بوده است (لمبتون، ۱۳۷۵: ۱۰۹). در اکثر سفرنامه‌های دوره قاجاری، این داستان به گونه‌های مختلف آمده است و هیچ مصداق و مورد عینی ندارد. علاوه بر اینکه، زمان وقوع این داستان در برخی منابع، دوره صفوی (دوگوبینو، ۱۳۸۳: ۱۸۷)، در بعضی دوره نادرشاه افشار (دالمانی، ۱۳۳۵: ج ۸۷۱/۲؛ سایکس، ۱۳۳۶: ۱۸۸) و در تعدادی از آن‌ها دوره ناصری بیان شده است (انه، ۱۳۳۸: ۱۸۱). پس می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که اغلب این روایت‌ها، صرفاً داستان‌پردازی و افسانه‌گویی است (شیل، ۱۳۳۸: ۱۹۳) که حتی بسیاری از مولفین همچون براون، انه، دالمانی، پولاک، کرزن، جکسن و دیگران به مضحک بودن و خیالی بودن این داستان‌ها اذعان کرده‌اند.

### ۳.۴ ثبت نشدن ترس کاشانی‌ها در منابع پیش از دوره قاجار

نکته تأمل برانگیز تر آن است که در هیچ‌یک از کتاب‌های جغرافیایی تاریخی و حتی سفرنامه‌های قبل از دوره قاجار که به وصف کاشان پرداخته‌اند، به جبن و ترسویی مردمان این شهر اشاره‌نکرده‌اند. پس نمی‌توان مبنای تاریخی بر جبن و ترسو بودن کاشانی‌ها در نظر گرفت. حمدالله مستوفی، مورخ قرن هشتم هجری در *نزهت القلوب* هیچ اشاره‌ای درباره ترسو بودن مردم کاشان نکرده و در هنگام معرفی کاشان اظهار می‌کند: «مردم آنجا شیعه اثنی‌عشری اند... حکیم وضع و لطیف طبع. در آنجا جهال و بطل کمتر باشد و از حشرات در آنجا عقرب بسیار بود» (مستوفی قزوینی، ۱۳۸۱: ۷۴). لذا سابقه تاریخی قابل استناد مبنی بر ترس کاشانیان که به قبل از دوره قاجار منتهی شود، وجود ندارد.

در اینجا یک مسئله‌ای حائز اهمیت است و آن، اینکهدر میان خود مردم کاشان، موضوع ترس به واقعه‌ای از دوران مغول مربوط می‌شود. ماجرا به یک داستان قدیمی که در افواه عامه رواج یافته است، برمی‌گردد. داستان بدین قرار است که هنگام حمله مغول‌ها به ایران، وقتی به کاشان می‌رسند، همه کاشانی‌ها در جایی سنگر می‌گیرند و با تولید صداهای خاصی، فضای عجیب و غریبی می‌سازند. مغول‌ها از صدای مورد نظر می‌ترسند و فرار می‌کنند. کاشانی‌ها معتقداند که این عمل آن‌ها نه تنها از روی ترس نبوده، بلکه یک تاکتیک جنگی فوق‌العاده هوشمندانه‌ی جای جنگ مستقیم، که ممکن بوده تلفات زیادی به جای بگذارد، بوده است. آنان باور دارند که این حرکت آنان در دوره مغول باعث فراری دادن مغول‌ها شده و از جنگ و خونریزی جلوگیری شده است (محمدپور، ۱۳۹۳: نشریات جام جم). امروزه بسیاری از کاشانی‌ها معتقداند که اقدام اجداد آنان در دوره مغول، اصلی‌ترین عامل در متسبب کردن مردم کاشان به ترسویی بوده است. با وجود این اعتقاد کاشانی‌ها، اما این موضوع را نیز به چندین علت نمی‌توان در مورد ترس مردم کاشان پذیرفت. اولاً در هیچ‌کدام از سفرنامه‌ها و کتاب‌های جغرافیای تاریخی پس از دوره مغول، اشاره‌ای به ترس کاشانی‌ها از مغولان نشده است. دوم اینکه موضوع ایجاد صداهای عجیب و غریب از سوی کاشانیان و نیز تدبیر هوشمندانه آنان در برخورد با مغول‌ها که منجر به جلوگیری از حمله آنان به کاشان شده است، با آنچه در منابع دوره مغول و ایلخانی در این خصوص آمده، مطابقت ندارد. این مطلب حتی در منابع وجود خارجی ندارد و آنچه در متون تاریخی ذکر شده، خلاف این موضوع را بیان می‌کند. طبق شواهد و مدارک تاریخی، کاشان در این دوره مورد هجوم سخت مغولان قرار گرفت. آنجا که عطاء الملک جوینی بر آن صحه

گذاشته و بیان می‌دارد: «بعضی از لشکریان به محاصره کاشان مشغول شدند و به سه روز بگرفتند و قتل و غارت و نهب بسیار کردند و از آنجا به ری رفتند» (جوینی، ۱۳۷۰: ج ۱۶۹/۲). ملاحظه می‌شود که یکی مهم‌ترین منابع دوره مغول، خلاف گفته‌های عامیانه مردم کاشان را اثبات می‌کند. به نظر می‌رسد که ساختن و رواج این داستان در میان عامه کاشانی‌ها، صرفاً به دلیل از بین بردن موضوع ترسو بودن اهل کاشان در میان عموم بوده است. از طرفی شاید اهالی کاشان با رواج این داستان، قصد داشته‌اند تا ترس خود را بر مبنای منطقی و تاریخی جلوه دهند تا به نوعی از نسبت دادن مردمان شهرهای دیگر به ترسویی و جبونی جلوگیری نمایند؛ اما طبق آنچه بیان شد، به دلایل مختلف نمی‌توان از این داستان به عنوان مبنای قابل استناد استفاده کرد.

#### ۴.۴ نبودن مبنای منطقی و تاریخی شهرت ترس کاشانی‌ها

مهم‌ترین دلیل برای نقد موضوع ترس اهالی کاشان، عدم اثبات آن در تاریخ و سابقه این شهر است؛ همچنان که سفرنامه‌های دوره قاجاری و پس از آن هیچ نمونه واقعی و حقیقی مبنی بر جبن آن‌ها به دست نداده‌اند، بلکه حتی از غیرواقعی بودن آن سخن گفته‌اند. گزارش‌هایی از الگوهای رفتاری اهل کاشان در تاریخ، نه تنها نشانگر عدم ترس و جبن آنان می‌باشد، بلکه شجاعت و باهوشی کاشانی‌ها را نمایان می‌سازد. در بسیاری از دوره‌های تاریخی، کاشان مورد حمله اقوام و حکومت‌های گوناگون قرار گرفته و مقاومت و شجاعت آنان در مقابل این حملات بدون هیچ ترس و واهمه‌ای به ثبت رسیده است. نمونه بارز این مقاومت در *روضه‌الصفا* قابل ردیابی است. هجوم گروهی از قبایل ترکمن در سال ۸۵۷ هـ. ق، از راه ساوه و قم به کاشان پس از پایداری سخت و دفاع خونین اهالی کاشان، عاقبت منجر به گشوده شدن شهر و قتل و غارت گردید (میرخواند، ۱۳۳۹: ج ۷۸۶/۶). حدود دو قرن بعد از این واقعه در زمان شاه عباس اول، گردنکشی و ظلم و ستم محمدخان ترکمان حاکم کاشان، سبب ایستادگی هر چه بیشتر اهالی کاشان در برابر زیاده‌خواهی او شد؛ تا جایی که در یکی از پیکارهای محلی که سیصد تن از مردم کاشان به جنگ حاکم شهر افتادند، ترکمن‌ها همه اسیران را گردن زده و اموال کاشانی‌ها را غارت کردند (افوشته‌ای نظزی، ۱۳۷۳: ۱۹۱-۱۹۳). همچنین در زمان حمله افغان‌ها به ایران، گیلانتز (Gilanentz) که از ارمنیان اواخر دوره صفوی حاضر در ایران است، در کتاب *سقوط اصفهان* تأکید می‌کند، وقتی امان الله خان در مسیر حرکت به سمت قزوین، بیرون شهر

کاشان توقف نموده؛ «وزیران [حاکمان] جدید و قدیم، همراه کلانتر و ریش سفیدان کاشان، برای دیدار امان الله خان با هدیه‌های نفیس بیرون شدند...، کاشانیان، قالی‌ها و پارچه‌های زری (زر پای انداز) به افتخار و احترام این امان الله گسترده بودند» (گیلانتر، ۱۳۷۱: ۷۹)؛ اما همین نویسنده بعداً می‌نویسد: «وقتی که امان الله با ششصد تن افراد خویش در عقب نشینی خود به کاشان رسید، کاشانیان دروازه‌های شهر را بر بستند و از راه دادن وی سر پیچیدند. آتش بر وی بگشادند و با وی به جنگ درآمدند» (گیلانتر، ۱۳۷۱: ۸۵). ایستادگی کاشان تا بدانجا پیش رفت که محمود افغان، کاشان و کاشانی‌ها را در هم ریخت و جلوی پیشرفت و شکوفایی آن را گرفت (کروسینسکی، ۱۳۶۳: ۷۴؛ اوین، ۱۳۶۲: ۲۷۷). پس از مرگ نادر در سال ۱۱۶۰ هـ. ق و در زمان شاهرخ نیز سپاهیان پراکنده از یک و افغان به سرکردگی الهیارخان و ابراهیم‌شاه از راه ساوه و قم به کاشان حمله‌ور شدند. سپس بر اثر پایداری و مقاومت مردم کاشان در برابر هجوم دشمن و طبق روایت مجمع‌التواریخ «بلده کاشان را با بعضی قراچی نواحی غارت نمودند» (مرعشی صفوی، ۱۳۲۸: ۸۷). نمونه دیگر، اینکه بارون دوبدر عصر قاجار که خود از ترس و جبن کاشانی‌ها سخن گفته، در *سفرنامه لرستان و خوزستان* از منظره هولناک سرهای نصب شده بلوچ‌های غارت‌گر در هرمی از ملاط سفیدرنگ در مسیر باغ فین سخن می‌گوید (دوبد، ۱۳۷۱: ۱۶۴-۱۶۵).

علاوه بر این موارد، یکی دیگر از دلایلی که می‌تواند ترس ذاتی اهالی کاشان را نقض کند، شهادت و جسارت نایب حسین کاشیو دیگر افراد کاشانی است که در آغاز مشروطیت مدت‌ها به راهزنی و خودسری در نقاط مرکزی ایران پرداخته و با حاکمان و نظامیان مختلف جنگیدند که به دلیل ناتوانی دولت و نابه‌سامانی مملکت در حدود پانزده سال نابودی این تشکیلات به درازا کشید (ضرابی، ۱۳۴۱: ۴۷۲). جسارت نایب حسین آن چنان بود که به هنگام گرفتار شدن در دولت وثوق‌الدوله، در جواب «سوالات لازمه راجع به پول و اسلحه که دفن شده، می‌خندد و بالاخره می‌گوید بعد از بیست سال یاغی‌گری من، چیزی دستگیر شما و بزرگترتان نخواهد شد» (اعظام قدسی، ۱۳۴۲: ج ۱/ ۴۸۵-۴۸۶). افزون بر این، وجود افرادی نظیر نایب حسین در کاشان فراوان بوده و حتی در زمان ناصرالدین شاه، کاشانیانی بودند که به راهزنی و غارت اهل کاشان می‌پرداختند. افرادی نظیر شاه‌میرزا، علی‌جانی، کاظم حاجی بابا، آقا کریم، آقا ابراهیم و... که بیشتر آن‌ها در زمان ناصرالدین شاه سرکوب شدند (مدنی کاشانی، ۱۳۷۸: ۲۷). در اینجا مسئله درستی و یا نادرستی اعمال نایب‌ان و دیگر اشرار کاشان نیست؛ ولی مسلم است که منشأ چنین گردن‌کشی‌هایی علیه دولت مرکزی در

زمان قاجار، نمی‌تواند جبن و ترس آنان را تصدیق کند. به عبارت دیگر، از محلی با آن توصیفات شدید و غلیظ از ترسویی و جبن بودن آنها، قاعدتاً نمی‌توان انتظار رفتارهای متهورانه و جسورانه - هنجار یا نابهنجار- داشت. این موارد تنها نمونه‌هایی از الگوهای رفتاری مردم کاشان در طول تاریخ بوده که تناسبی با ترس و جبن آنان ندارد.

دلیل دیگری که از آنمی‌توان به عدم ترسو بودن اهالی کاشان رسید، وجود شخصیت‌ها و مقامات سیاسی و فرهنگی از شهر کاشان در اکثر دوره‌های تاریخی است. این افراد در زمان حیات خود در مسئولیت‌ها و جایگاه‌هایی قرار گرفته‌اند که به رغم حاشیه امنیتی و اعتباری داشته، اما همواره احتمال جان بر سر این مسئولیت گذاشتن نیز داشته است. برای نمونه، در اواخر دوره سلجوقیان با گسترش و نفوذ شیعیان در دستگاه خلافت عباسی و دولت سلجوقی، چند نفر از کاشانی‌ها توانستند به مقامات بالای سیاسی همچون نهاد وزارت دست پیدا کنند (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۴۹۴). افرادی همانند مختص‌الملک معین‌الدین ابونصر احمد کاشانی یکم (۵۱۸-۵۲۱ هـ.ق) وزیر سلطان سنجر، شرف‌الدین ابونصر انوشیروان بن خالد بن محمد فینی کاشانی وزیر محمود دوم سلجوقی و المسترشد عباسی (۵۲۱-۵۲۲ هـ.ق) و نیز وزیر مسعود سلجوقی (۵۲۹-۵۳۰ هـ.ق)، فخرالدین طاهر کاشانی (۵۶۰-۵۶۲ هـ.ق) عهده‌دار صدارت ارسلان‌شاه سلجوقی، عزیزالدین بن رضی‌الدین اسعد کاشی وزیر طغرل سوم (۵۸۵ هـ.ق) و سرانجام دیگر وزیر کاشانی طغرل سوم، معین‌الدین ابونصر احمد کاشانی دوم (۵۹۰ هـ.ق) (قمی، ۱۳۶۳: ۲۲۴-۲۲۵)، از جمله کاشانیانی بودند که در این دوره به نهاد وزارت راه یافتند. پس از آن نیز به تواتر، نخبگان کاشان در مناصب حکومتی اعم از کشوری و لشکری حضور داشته و نقش بی‌بدیلی در دوره‌های مختلف تاریخی ایفا کردند که تحلیل و بررسی بیشتر آن خارج از اهداف این پژوهش است. در مجموع، کاشانی‌ها نسبتاً بیش از بسیاری از شهرهای ایران در کارهای صدارت و وزارت سلاطین به کار گرفته می‌شدند. آن چنان که حاج سیاح معتقد است: «کاشانیان بسیار باهوش هستند و اهالی آن ادبا و نویسندگان و اهل فضل و امرا دربار دولت نسبت به خود بیشتر از سایر بلاد ایران است» (سیاح، ۲۵۳۶: ۵۶). نقش کاشانیان و ورود آنان به نهادهایی همچون وزارت و اقدامات دیگر مقامات و شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی کاشان در طول تاریخ نشان می‌دهد که اولاً اگر موضوع ترس و جبنی ذاتی مردم کاشان در تاریخ صحت داشت، هیچ زمان کارهای خطیر کشورداری آن هم در دوران خشونت معمول حاکمان به کارگزاری جبن و بزددل سپرده نمی‌شد. دوم اینکه معمولاً

کارگزاران حکومتی در معرض بیشترین خطر جانی و مالی بوده‌اند. به طور طبیعی اگر ترس کاشانی‌ها مسبوق به این پیشینه رایج بوده باشد، قابل توجه نیست که یک کارگزار ترسو، ریسک پذیرفتن مسئولیتی را داشته که می‌دانسته احتمال خطر، مرگ و... در آن زیاد است.

## ۵. حقیقت انتساب ترس به مردم کاشان

آنچه که به عنوان ترس کاشانی‌ها در منابع دوره قاجار بیان شده و طبق همین برآورد نیز امروزه برای آن‌ها صفت ترس به کار برده می‌شود، می‌تواند دلایل و حقایق دیگری در خود نهفته داشته باشد. برای پی بردن به این حقایق می‌توان به سراغ همان سفرنامه‌هایی رفت که به شهرت ترس کاشانی‌ها اشاره کرده‌اند. به عنوان نمونه، فرد ریچاردز (*Fred Richards*) در سفرنامه خود تحسین جرأت مردم قزوین، تبریز، همدان، شیراز و یزد و عدم انتساب این لقب برای اهالی قم، کاشان و اصفهانرا بدین علت می‌داند که مردم پنج شهر اول از جمله شهرهایی بودند که مورد هجوم مهاجمان واقع شده و تا اندازه‌ای از نوادگان قبایل جنگجو و مبارز هستند، در حالی که اجداد مردم شهرهای اخیر برای مدت چندین قرن به مشاغل شهری اشتغال داشته‌اند (ریچاردز، ۱۳۷۹: ۳۰۹).

کاشان از دیرباز به ویژه در دوره صفوی و با حمایت شاه عباس اول به یکی از مراکز مهم صنعت نساجی و حریربافی تبدیل شده و انواع کارگاه‌های مخمل‌بافی، حریربافی، فرش‌بافی و مسگری در کاشان احداث گردید (دلواله، ۱۳۷۰: ۱۴۱). اگرچه روند این صنایع در کاشان همواره با نوسانات شدیدی همراه بود؛ اما تجارت و کسب و کار در زمینه این صنایع در کاشان حتی تا عصر قاجار و به ویژه در زمان امیرکبیر ادامه یافت. در دوره قاجار به واسطه سابقه نساجی و حریربافی، پارچه‌های ابریشمی گلدار، اطلس، به ویژه زرهایی که هم محکم و هم ظرافت خاصی داشتند تهیه می‌شد (فلاندن، ۱۳۲۴: ۱۰۷). همچنین عبدالرحیم ضرابی مولف کتاب *تاریخ کاشان* در مورد صنایع کاشان در دوره قاجار، این چنین می‌آورد:

در عمل نساجی و شعربافی استادان کامل و نقش‌بندان ماهر به ظهور می‌آید، از اطلس و صوف و قناویز و خارا و زری‌های الوان و مشجر و محرمات و مخمل یک رنگ و الوان و قطنی و دارایی و قدک در کمال خوبی و امتیاز به عمل می‌آید و کذالک سایر صنایع (ضرابی، ۱۳۴۱: ۲۲۷).

این مسئله باعث شد تا مردم کاشان به صنعت گرانی ماهر و با سابقه در زمینه فرش بافی، حریر بافی و مسگری تبدیل شوند. شاید به همین دلیل است که جورج کرزن نیز در *ایران و قضیه ایران* مهم ترین علت شهرت کاشانی ها به ترسویی را به واسطه پرداختن مردم کاشان به کسب و تجارت در طی قرون متمادی می داند و معتقد است ترس کاشانیان در حد یک شایعه، نه واقعیت بوده است (کرزن، ۱۳۸۰: ج ۱۷/۲). همچنان که بارون دوبد نیز بر این مطلب تأکید کرده و بیان می کند که «ساکنان شهر کاشان بسیار صنعت گرند» (دوبد، ۱۳۷۱: ۲۸). اما عبدالله مستوفی نظر دیگری ارائه می دهد. وی معتقد است که تعبیر ضجه مویه در کاشان ممکن است دلالت بر ترس آنان در گذشته داشته باشد (مستوفی، ۱۳۸۴: ج ۳/۳۴۹). این تعبیر در کاشان بیش از سایر نقاط فارسی زبان به کار برده شده و در مواردی استعمال می شود که تصنع زیاده از حقیقت باشد (مستوفی، ۱۳۸۴: ج ۳/۳۴۹). به نظر می رسد روحیه محافظه کاری و احیاناً کاسب کاری برخی از کاشانی ها همراه با چاشنی زیرکی باعث شده است که خود را کمتر در معرض آسیب قرار دهند (نراقی، ۱۳۶۵: ۱۰). از طرفی سعی می کنند از مسائلی که هزینه زیاد، اما سود ناچیز دارد، دور باشند. این امر برای زندگی در شهری که در مسیر اصلی و مرکزی ایران بوده و دائماً در معرض تهاجم و غارت انواع و اقسام گروه های خون ریز بوده اند، ضروری می نماید. به بیان دیگر، شاید مردم این سامان به اندازه کافی از عقل معاش برخوردار بوده که ضریب ریسک پذیری آنان پایین است. بر این اساس، مهم ترین دلایلی که موجب شده تا اهالی کاشان به ترسویی و جبون بودن مشهور شوند را در جدول شماره ۲ می توان خلاصه نمود.

جدول ۲. علل اشتهار کاشانیان به ترس

منبع	علت شهرت ترس کاشانی ها
اولتاریوس، ۱۳۶۹: ج ۵۳۲/۲	وجود عقرب و حشرات موزی
پولاک، ۱۳۶۸: ۳۹	فرار از سرباز گیری
محمدپور، ۱۳۹۳: نشریات جام جم	تدبیر کاشانی ها برای مقابله با مغولان
انه، ۱۳۶۸: ۱۸۱	تهمت به مردم این شهر
نراقی، ۱۳۶۵: ۱۰	میانه روی و عاقبت اندیشی
سیاح، ۲۰۳۶: ۵۶	اشتغال به مشاغلی که امنیت شرط آن است
ریچاردز، ۱۳۷۹: ۳۰۹	تجارت پیشگی مردم کاشان
کرزن، ۱۳۸۰: ج ۱۷/۲	روحیه کاسب کاری آنان
مستوفی، ۱۳۸۴: ج ۳/۳۴۹	واژه ضجه مویه در کاشان

## ۶. نتیجه گیری

بر اساس آنچه در این پژوهش بیان شد، اشتها ترس مردم کاشان از نظر تاریخی سابقه‌ای پیش از دوره قاجار ندارد؛ اما از نظر جامعه‌شناسی و روان‌شناسی در ردیف ترس اخلاقی و وجدانی قرار می‌گیرد. مسئله ترس کاشانی‌ها برای نخستین بار در منابع و سفرنامه‌های دوره قاجار دیده می‌شود. به واقع آن شهرتی که امروزه در جامعه ایرانی از ترسویی و جبن مردم کاشان باقی مانده و از سابقه تاریخی آن سخن گفته می‌شود، مربوط به روایات سفرنامه‌ها و برخی منابع عصر قاجاری است. اگرچه به ظاهر، موضوع ترس اهالی کاشان برطبق روایت‌های منابع قاجاری پایه‌ریزی شده است، اما بنا به دلایلی صحت آن محل تردید و نقد جدی است. عدم اعتقاد خود مولفان دوره قاجار به ترسو بودن کاشانیان و اذعان نکردن آن‌ها، روایت‌ها و داستان‌های خرافی و متناقض و افسانه‌وار منابع عصر قاجار در مورد علت ترس مردم کاشان، ثبت نشدن ترس کاشانی‌ها در منابع پیش از دوره قاجار و سرانجام نبودن مبنای منطقی و تاریخی ترس در کاشان از جمله عللی هستند که می‌توان به ترسو بودن ذاتی اهالی کاشانرا به نقد کشید. طبق برآورد این مقاله، هیچ یک از منابع قبل از دوره قاجار اشاره‌ای به موضوع شهرت ترس اهالی کاشان به عنوان یک صفت بارز نکرده‌اند. این خود به وضوح نشان می‌دهد که موضوع ترس در کاشان، مبنای تاریخی مستند و قابل ذکری در گذشته نداشته است. مهم‌تر آنکه شواهد و اسناد تاریخی دلالت بر ایستادگی و شجاعت کاشانیان در دوره‌های مختلف تاریخی داشته است. وجود افرادی همانند نایب حسین کاشی و زورآزمایی او در برابر دولت مرکزی خلاف آنچه در متون تاریخی قاجاری آمده را اثبات می‌کند. طبق گفته برخی از نویسندگان عهد قاجار، نزدیک‌ترین و منطقی‌ترین علت انتساب کاشانیان به ترسویی، صنعتی بودن شهر کاشان در قرون متمادی و روحیه کسب و کار و اشتغال به تجارت در میان مردم کاشان بوده است. همچنین به نظر می‌رسد روی آوردن کاشانی‌ها به میانه‌روی و عاقبت‌اندیشی در طول زمان منجر به شهرت یافتن الگوی اجتماعی و رفتاری ترسویی و بزدلی برای مردم کاشان شده است؛ الگویی که تا به امروز در جامعه ایران همراه کاشانیان باقی مانده است. در نهایت می‌توان به این نتیجه رسید که موضوع ترس مردم کاشان طبق بررسی و بازبینی‌های صورت گرفته در این مقاله، فاقد مبنای تاریخی و منطقی صحیحی بوده و از آن باید در حد یک شایعه رواج یافته یاد کرد.

## کتابنامه

- اعظام قدسی (اعظام الوزاره)، حسن (۱۳۴۲). *خاطرات من یا روشن شدن تاریخ صد ساله*، ج ۱، تهران: چاپخانه حیدری.
- افوشته‌ای نظری، محمود بن هدایت الله (۱۳۷۳). *نقاوه الآثار فی ذکر الاخبار در تاریخ صفویه*، به اهتمام احسان اشراقی، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- امزبان، محمد (۱۳۸۰). *روش تحقیق در علوم اجتماعی از اثبات‌گرایی تا هنجارگرایی*، ترجمه عبدالقادر سواری، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- انه، کلود (۱۳۳۸). *اوراق ایرانی، خاطرات سفر کلود انه در آغاز مشروطیت*، ترجمه ایرج پروشانی، تهران: معین.
- اوبن، اوژن (۱۳۶۲). *ایران امروز*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: کتابفروشی زوار.
- اورسل، ارنست (۱۳۸۲). *سفرنامه قفقاز و ایران*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اولثاریوس، آدام (۱۳۶۹). *سفرنامه آدام اولثاریوس*، ترجمه مهندس حسین کرد بچه، ج ۲، تهران: کتاب برای همه.
- براون، ادوارد گرانویل (۱۳۸۱). *یک سال در میان ایرانیان*، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: نشر ماه‌ریز.
- بروگش، هینریش (۱۳۶۷). *سفری به دربار سلطان صاحبقران*، ترجمه مهندس حسین کرد بچه، ج ۱، تهران: اطلاعات.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۳۸). *سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)*، ترجمه کیکاووس جهانداری، چاپ دوم، تهران: خوارزمی.
- جکسن، آبراهام والتاین ویلیامز (۱۳۸۷). *سفرنامه جکسن: ایران در گذشته و حال*، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، چاپ پنجم، تهران: علمی و فرهنگی.
- جوینی، علاء‌الدین عطا‌الملک (۱۳۷۰). *تاریخ جهانگشای جوینی*، تصحیح محمد قزوینی، ج ۲، چاپ چهارم، تهران: ارغون.
- دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ج ۲، ترجمه محمدعلی فره‌وشی، تهران: امیرکبیر.
- دلاواله، پیترو (۱۳۷۰). *سفرنامه پیترو دلاواله*، ترجمه شجاع‌الدین شفا، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- دو روششوار، ژولین (۱۳۷۸). *خاطرات سفر ایران*، ترجمه مهراں توکلی، تهران: نشر نی.
- دوید، بارون (۱۳۷۱). *سفرنامه لرستان و خوزستان*، ترجمه محمدحسین آریا، تهران: علمی و فرهنگی.
- دوگوبینو، آرتور (۱۳۸۳). *سه سال در آسیا: سفرنامه آرتور دوگوبینو*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: قطره.

عادل شعبانی مقدم و علی اکبر جعفری ۱۰۳

- راه‌رخشان، محمد (۱۳۷۲). «ترس از دیدگاه روانکاوی و نقش آن در شکل‌گیری شخصیت فردی و اجتماعی انسان»، هامبورگ: دانلود الکترونیکی کتاب سبز، صص ۱-۲۵.
- ریچاردز، فرد (۱۳۷۹). *سفرنامه فرد ریچاردز*، ترجمه مهین دخت‌صبا، تهران: علمی و فرهنگی.
- ساطع، محمود (۱۳۸۹). *کاشان در گذار سیاحت و ایران شناسان*، مقدمه ایرج افشار، تهران: دعوت.
- سایکس، سرپرسی (۱۳۳۶). *سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس یا ده هزار میل در ایران*، ترجمه حسین سعادت نوری، چاپ دوم، تهران: ابن سینا.
- سیاح، محمد علی (۲۵۳۶). *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*، تصحیح سیف‌الله گلکار، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- شیل، لیدی مری (۱۳۳۸). *خاطرات لیدی شیل*، ترجمه حسین ابوترابیان، چاپ دوم، تهران: نشر نو.
- صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۴). «بررسی برخی از عوامل تهدیدکننده‌ی امنیت اجتماعی»، *مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی*، ج ۲، زیر نظر معاونت اجتماعی ناجا، تهران: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، معاونت ناجا.
- عاطفی، حسن و آبتین گلکار و مهشید جعفری (۱۳۹۱). *فراز و فرود کاشان به روایت دیگران*، تهران: بنیاد فرهنگ کاشان.
- فلاندن، اوژن (۱۳۲۴). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران در سال‌های ۱۸۴۰-۱۸۴۱*، ترجمه حسین نور صادقی، چاپ دوم، تهران: چاپخانه روزنامه نقش جهان.
- قروینی‌رازی، عبدالجلیل (۱۳۵۸). *التقص، تصحیح سید جلال‌الدین محدث ارموی*، تهران: انجمن آثار ملی.
- قمی، نجم‌الدین ابوالرجاء (۱۳۳۳). *تاریخ الوزرا، تصحیح محمد تقی دانش‌پژوه*، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- کافی، مجید (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی تاریخی (مفاهیم، نظریه‌ها، نقد و بررسی)*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰). *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۲، چاپ پنجم، تهران: علمی و فرهنگی.
- کروینسکی، تادوز یودا (۱۳۶۳). *سفرنامه کروینسکی*، ترجمه عبدالرزاق دنبلی «مفتون»، تصحیح مریم میراحمدی، تهران: توس.
- کلاتر ضرابی، عبدالرحیم (۱۳۴۱). *تاریخ کاشان (مرآت القاسان)*، به کوشش ایرج افشار، چاپ دوم، تهران: فرهنگ ایران زمین.
- گیلانتر، پطرس دی سرکیس (۱۳۷۱). *سقوط اصفهان «گزارش‌های گیلانتر درباره حمله افغانان و سقوط اصفهان»*، ترجمه محمد مهربار، چاپ دوم، اصفهان: گلهان.
- لمبتون، آ.ک.س (۱۳۷۵). *ایران عصر قاجار*، ترجمه سیمین فصیحی، تهران: جاودان خرد.

#### ۱۰۴ بررسی و تحلیل نقادانه علل اشتها کاشانیان به ترسویی در دوره قاجار

- محمدپور، مریم (۱۳۹۳/۶/۲۷). «گپ و گفت با مردم باصفای اهل کاشان ترس نه؛ احتیاط آری»، نشریات جام جم، <http://press.jamejamonline.ir/Newspreview/1649184957816427040>
- مدنی کاشانی، عبدالرسول (۱۳۷۸). *تاریخ اشرار کاشان*، به اهتمام حسینعلی پورمدنی، چاپ دوم، کاشان: مرسل.
- مرعشی صفوی (۱۳۲۸). *مجمع التواریخ*، تصحیح عباس اقبال، تهران: بی‌نا.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴). *شرح زندگانی منیا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*، ج ۱ و ۳، چاپ پنجم، تهران: زوار.
- مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۸۱). *نزهت القلوب*، به کوشش محمد دبیرسیاقتی، قزوین: حدیث امروز.
- موریه، جیمز (۱۳۸۶). *سفرنامه جیمز موریه*، ترجمه ابوالقاسم سری، چاپ دوم، تهران: توس.
- میرخواند، میرمحمد بن سید برهان‌الدین خداوندشاه (۱۳۳۹). *تاریخ روضه الصففا*، تصحیح جمشید کیانفر، ج ۶، تهران: خیام.
- نراقی، حسن (۱۳۶۵). *تاریخ اجتماعی کاشان*، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- واتسن، رابرت گرانت (۱۳۴۰). *تاریخ قاجار*، ترجمه عباسقلی آذری، تهران: بی‌نا.
- هیئتس، والتر (۱۳۹۲). *سفرنامه والتر هیئتس*، ترجمه پرویز رجیبی، تهران: ایران‌شناسی.

Buzan , Barry (2000). "security studies: beyond strategy", Retrieved 2016/06/19, from [www.yorku.ca/dmatimer/security\\_studies.htm](http://www.yorku.ca/dmatimer/security_studies.htm).

Yorku. Ca/dmatimer/ security studies, Htm studies. Htm.

Clemente,F& Kleiman, MB (1997). "Fear of crim in the United States", *A Multivariate Analisis*, Pennsylvania State University.